

به نام خدا

یادگیری لذت بخش: راه هایی برای تبدیل کلاس درس به محیطی شاد، پویا و الهام بخش

مولفان:

زهرة شریف زاده

خاطره شریف زاده

فاطمه شریف زاده

زهرا شریف زاده

سجاد زرجام

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۴)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.i

سرشناسه : شریف زاده ، زهره ، ۱۳۶۵
عنوان و نام پدیدآورندگان : یادگیری لذت بخش: راه هایی برای تبدیل کلاس درس به محیطی شاد، پویا و الهام بخش / مولفان زهره شریف زاده ، خاطره شریف زاده ، فاطمه شریف زاده ، زهرا شریف زاده ، سجاد زرجم
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری : ۱۵۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۲۹۴-۸
شناسه افزوده : شریف زاده ، خاطره ، ۱۳۵۶
شناسه افزوده : شریف زاده ، فاطمه ، ۱۳۵۸
شناسه افزوده : شریف زاده ، زهرا ، ۱۳۶۵
شناسه افزوده : زرجم ، سجاد ، ۱۳۶۷
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : یادگیری لذت بخش - کلاس درس - محیطی شاد، پویا و الهام بخش
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۵۵/۶۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۷۶۵۸۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : یادگیری لذت بخش: راه هایی برای تبدیل کلاس درس به محیطی شاد، پویا و الهام بخش
مولفان : زهره شریف زاده - خاطره شریف زاده - فاطمه شریف زاده - زهرا شریف زاده - سجاد زرجم
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۴
چاپ : زبرجد
قیمت : ۱۵۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://:chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۱۷-۲۹۴-۸
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



با نهایت سپاس و قدردانی، این اثر را تقدیم می‌کنم به تمامی کسانی که در مسیر علمی و معنوی همراه من بودند.

به‌ویژه از پدر عزیزم آقای کریم شریف‌زاده و مادر مهربانم خانم روح‌انگیز شریف‌زاده که هر دو، فرهنگی دلسوز و شریف بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم.

محبت، فداکاری و راهنمایی‌های ارزشمندشان همواره چراغ راه من در مسیر دانش و زندگی بوده است.

فهرست

۹.....	پیشگفتار
۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	فصل اول: بنیان‌های نظری و فلسفی یادگیری لذت‌بخش
۱۳.....	رفتارگرایی
۱۴.....	اصول و مفاهیم کلیدی رفتارگرایی
۱۵.....	شناخت‌گرایی
۱۶.....	اصول و مفاهیم بنیادین شناخت‌گرایی
۱۶.....	حافظه و ساختارهای ذهنی:
۱۶.....	توجه و انگیزش در یادگیری:
۱۶.....	یادگیری معنادار:
۱۷.....	نقش ژان پیازه در شناخت‌گرایی
۱۸.....	سازه‌گرایی
۱۸.....	اصول و مفاهیم بنیادین سازه‌گرایی
۱۹.....	مثال‌های واقعی از یادگیری سازه‌گرایانه
۲۳.....	نگرش افلاطون، ارسطو و سقراط به لذت و دانش
۲۳.....	سقراط
۲۴.....	افلاطون
۲۵.....	ارسطو
۲۷.....	نقش لذت در فلسفه آموزشی دیویی
۲۹.....	روانشناسی شناختی و لذت یادگیری
۳۰.....	یادگیری معنادار و ارتباط آن با لذت
۳۲.....	نمونه‌های آموزشی
۳۳.....	نظریه خودتعیین‌گری و ارتباط آن با یادگیری و انگیزش
۳۳.....	نیاز به شایستگی
۳۳.....	نیاز به استقلال
۳۳.....	نیاز به تعلق
۳۴.....	نقش انگیزش درونی و بیرونی

۳۴ نمونه‌های عملی
۳۵ سه نیاز اساسی: خودمختاری، توانایی و وابستگی اجتماعی
۳۵ خودمختاری
۳۵ توانایی
۳۶ وابستگی اجتماعی
۳۶ تعامل سه نیاز با یکدیگر
۳۶ تأثیر بر یادگیری و لذت
۳۷ تعامل با نیازهای روانی پایه
۳۹ نظریه جریان
۴۱ شرایط ورود به حالت جریان در یادگیری
۴۳ روانشناسی مثبت و آموزش
۴۶ عصب‌شناسی یادگیری و لذت
۴۸ نقش دوپامین در انگیزش و یادگیری
۴۹ نظریه یادگیری اجتماعی و نقش مدل‌های الهام‌بخش
۵۲ ساخت‌گرایی اجتماعی و فرهنگ یادگیری
۵۵ نظریه یادگیری عمیق
۵۶ تفاوت یادگیری سطحی و عمیق

فصل دوم: عوامل روانشناختی و عاطفی مؤثر در لذت یادگیری.....۵۹

۶۰ نقش هوش هیجانی در کلاس درس
۶۲ مؤلفه‌های هوش هیجانی: خودآگاهی، خودتنظیمی، انگیزش، همدلی و مهارت‌های اجتماعی
۶۳ ایمنی روانی در کلاس
۶۴ شرایطی که دانش‌آموز را به ریسک‌پذیری فکری تشویق می‌کند
۶۶ نقش شادی و خنده در یادگیری
۶۷ نقش هیجانات مثبت: علاقه، شگفتی و شور در یادگیری
۶۹ نقش شگفتی در فعال‌سازی حافظه کوتاه‌مدت مطالب
۷۰ نقش عاطفه منفی و مدیریت آن در یادگیری
۷۱ راهکارهای کاهش اضطراب یادگیری: بازسازی شناختی و ذهن‌آگاهی
۷۳ نقش تاب‌آوری در یادگیری
۷۴ تقویت تاب‌آوری از طریق بازخورد مثبت و تمرکز بر فرآیند

۷۵	هویت دانش آموز و مالکیت یادگیری
۷۷	نقش هویت دانش آموزی در مشارکت و تجربه لذت یادگیری
۷۸	ایجاد حس تعلق و مالکیت نسبت به فرآیند یادگیری
۸۱	فصل سوم: طراحی محیط یادگیری لذت بخش
۸۴	نقش نور، رنگ، صدا، بو و دمای محیط در یادگیری
۸۷	نظم و انعطاف پذیری در فضای یادگیری
۸۸	استفاده از گوشه‌های یادگیری
۹۰	فضای دیجیتال و مجازی لذت بخش
۹۱	استفاده از آواتار، صدا و انیمیشن برای افزایش درگیری در یادگیری
۹۴	زبان معلم و تأثیر آن بر فضای عاطفی
۹۶	زمان بندی و ریتم کلاس
۹۹	فصل چهارم: روش‌های تدریس لذت بخش و مبتنی بر شواهد
۱۰۰	یادگیری مبتنی بر پروژه
۱۰۱	اصول طراحی پروژه‌های معنادار
۱۰۳	مدل سه بعدی لذت یادگیری
۱۰۵	ده اقدام روزانه برای ایجاد لذت یادگیری
۱۰۶	نقش پرسش‌های باز و چالشی و تفاوت پرسش‌های سطحی و عمیق
۱۰۸	گیمیفیکیشن
۱۰۹	یادگیری مشارکتی
۱۱۱	یادگیری تجربی (چرخه یادگیری کولب)
۱۱۲	یادگیری معکوس و لذت
۱۱۳	داستان گویی آموزشی
۱۱۵	یادگیری مبتنی بر هنر
۱۱۶	یادگیری مبتنی بر طبیعت
۱۱۷	یادگیری مبتنی بر خدمت
۱۱۹	فصل پنجم: فناوری و یادگیری لذت بخش
۱۲۰	طراحی محتوای دیجیتال
۱۲۱	پلتفرم‌های تعاملی

۱۲۲.....	واقعیت مجازی و افزوده در آموزش.....
۱۲۳.....	هوش مصنوعی و شخصی سازی یادگیری.....
۱۲۵.....	یادگیری ترکیبی و تعادل.....
۱۲۷.....	فصل ششم: ارزشیابی و بازخورد مثبت.....
۱۳۰.....	ارزشیابی همتا.....
۱۳۳.....	فصل هفتم: چالش‌ها، موانع و راهکارهای سیستمی.....
۱۳۴.....	محدودیت‌های سیستمی.....
۱۳۶.....	موانع فردی معلمان.....
۱۳۸.....	نقش سیاست‌گذاری آموزشی.....
۱۴۱.....	فصل هشتم : آینده یادگیری لذت‌بخش.....
۱۴۳.....	آموزش مهارت‌های آینده با رویکرد لذت‌بخش.....
۱۴۷.....	سخن پایانی.....
۱۴۹.....	منابع.....

پیشگفتار

یادگیری همواره یکی از بنیادی‌ترین عناصر رشد انسانی، توسعه فردی و پیشرفت جوامع بوده است و پژوهش‌ها و تجربه‌های آموزشی نشان می‌دهند که کیفیت یادگیری و عمق آن به اندازه محتوای یادگیری اهمیت دارد. در طول تاریخ، رویکردهای آموزشی همواره تغییر کرده‌اند و هر دوره با نوآوری‌ها، نظریه‌ها و تکنولوژی‌های خود، تلاش کرده است یادگیری را موثرتر کند، اما یک نکته همواره ثابت مانده است: یادگیری زمانی واقعاً مؤثر و پایدار می‌شود که فعال، معنادار، هیجانی و لذت‌بخش باشد. این کتاب بر این اصل بنیادین بنا شده است که یادگیری نه صرفاً انتقال اطلاعات، بلکه تجربه‌ای جامع، هیجانی و خلاقانه است که ذهن، عواطف و انگیزش فرد را به صورت همزمان فعال می‌کند و با فراهم آوردن فرصت‌های مشارکت، خلاقیت، کنجکاوی و هیجان‌ات مثبت، یادگیری را به یک سفر لذت‌بخش تبدیل می‌سازد.

بیشتر از نیم قرن تحقیق در روانشناسی تربیتی، روانشناسی شناختی، علوم اعصاب، روانشناسی مثبت و مطالعات آموزشی نشان داده است که عوامل روانشناختی و هیجانی نقش تعیین‌کننده‌ای در یادگیری دارند. انگیزش درونی، حس خودمختاری، تاب‌آوری، کنجکاوی، علاقه، شادی، شگفتی، اعتماد به نفس و هیجان‌ات مثبت، پایه و اساس یادگیری عمیق و لذت‌بخش را تشکیل می‌دهند و بدون توجه به این عوامل، حتی محتوا و روش‌های آموزشی پیشرفته نیز نمی‌توانند یادگیری را پایدار و معنادار سازند. از سوی دیگر، محیط‌های یادگیری فیزیکی و دیجیتال، تعاملات انسانی، طراحی فعالیت‌ها، زمان‌بندی و ریتم کلاس، بازخورد مثبت و انعطاف‌پذیری سیستم آموزشی، همگی در شکل‌دهی تجربه یادگیری فعال و لذت‌بخش نقش حیاتی دارند.

این کتاب با مروری جامع بر نظریه‌ها و پژوهش‌های کلاسیک و نوین از جمله نظریه‌های انسان‌گرایانه، روانشناسی شناختی، نظریه جریان، روانشناسی مثبت، نظریه خودتعیین‌گری، یادگیری اجتماعی، ساخت‌گرایی اجتماعی، یادگیری عمیق و مدل‌های یادگیری مبتنی بر تجربه و پروژه، نشان می‌دهد که یادگیری لذت‌بخش یک فرآیند چندبعدی است که فرد، معلم، محیط آموزشی، فرهنگ یادگیری و سیستم آموزشی را در تعامل با یکدیگر قرار می‌دهد. در این چارچوب، دانش‌آموز فعال، مشارکتی و خلاق است، معلم تسهیلگر، همراه و الهام‌بخش است، محیط آموزشی انعطاف‌پذیر، امن و هیجان‌ات مثبت را تقویت می‌کند و سیستم آموزشی سیاست‌ها و منابع لازم را برای پشتیبانی از یادگیری لذت‌بخش فراهم می‌آورد. این کتاب دعوتی است به معلمان، پژوهشگران، سیاست‌گذاران و تمامی فعالان حوزه آموزش تا تجربه یادگیری را محور آموزش قرار دهند، هیجان‌ات مثبت و انگیزش درونی را تقویت کنند، محیط‌های یادگیری فعال و انعطاف‌پذیر بسازند و نسل آینده را با مهارت‌ها، خلاقیت و تاب‌آوری لازم برای موفقیت در دنیای مدرن آماده سازند. یادگیری لذت‌بخش نه یک گزینه بلکه یک ضرورت برای آموزش قرن بیست‌ویکم است و تحقق آن نیازمند هماهنگی بین علم، هنر، فناوری، سیاست‌گذاری هوشمند و طراحی محیط‌های انسانی و مشارکتی است.

مقدمه

نظام‌های آموزشی در طول تاریخ بیشتر بر انتقال اطلاعات متمرکز بوده‌اند تا بر خلق تجربه‌ای زنده، پویا و لذت‌بخش از یادگیری، و همین امر سبب شده است که بسیاری از دانش‌آموزان و حتی دانشجویان، مدرسه و دانشگاه را به عنوان محیطی برای انباشتن داده‌ها و گذر از آزمون‌ها تصور کنند نه فضایی برای تجربه، کنجکاو، معناجویی و رشد همه‌جانبه، این در حالی است که تغییرات شتابان اجتماعی، فرهنگی و فناورانه در قرن بیست‌ویکم نشان می‌دهد که چنین نگرشی دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای نسل جدید باشد، نسلی که در جهانی متولد شده است که اطلاعات به راحتی و بی‌وقفه در دسترس قرار دارد و ارزش واقعی آموزش نه در دسترسی به داده‌ها بلکه در توانایی تبدیل آن‌ها به دانش، حکمت و مهارت‌های زندگی معنا پیدا می‌کند (برونر، ۱۹۹۶). در گذشته، نقش معلم بیشتر شبیه به ناقل دانش بود، فردی که موظف بود محتوای رسمی را از کتاب‌ها و برنامه‌های درسی به ذهن دانش‌آموزان منتقل کند، اما تحقیقات جدید در حوزه روانشناسی یادگیری نشان داده‌اند که یادگیری زمانی به تجربه‌ای پایدار و عمیق تبدیل می‌شود که با احساسات مثبت، انگیزش درونی و ارتباط شخصی میان فراگیر و موضوع یادگیری همراه باشد (ویگوتسکی، ۱۹۷۸). هنگامی که آموزش صرفاً به انتقال اطلاعات محدود می‌شود، فراگیران اغلب به حافظه سطحی و کوتاه‌مدت متکی می‌شوند، و همین امر منجر به فراموشی سریع مطالب و تجربه‌ای ملال‌آور از فرآیند آموزش می‌گردد، در حالی که پژوهش‌ها نشان می‌دهند تجربه‌های یادگیری که همراه با لذت، کنجکاو و تعامل اجتماعی باشند نه تنها باعث تثبیت حافظه بلندمدت می‌شوند بلکه میل درونی برای یادگیری بیشتر را در فراگیران تقویت می‌کنند. یکی از دلایل اصلی ضرورت تحول در آموزش این است که نظام‌های سنتی، عمده‌تاً یادگیری را یک فرآیند یک‌سویه تصور کرده‌اند، یعنی محتوای از پیش تعیین‌شده‌ای توسط معلم به دانش‌آموز منتقل می‌شود و ارزشیابی نیز صرفاً میزان بازتولید این اطلاعات را می‌سنجد، در حالی که دیدگاه‌های نوین در تعلیم و تربیت تأکید می‌کنند که یادگیری باید یک تجربه فعال، مشارکتی و معنابخش باشد، تجربه‌ای که در آن دانش‌آموز نه دریافت‌کننده منفعل، بلکه خالق معنا و کاوشگر جهان اطراف خویش است.

اگر به شواهد عصب‌شناسی نگاه کنیم، درمی‌یابیم که یادگیری نه یک فعالیت مکانیکی بلکه یک فرآیند عمیقاً هیجانی و عاطفی است، چرا که ساختارهای عصبی مرتبط با انگیزش و سیستم پاداش در مغز به شدت در یادگیری مؤثرند و هنگامی که یادگیری با هیجان مثبت همراه می‌شود، دوپامین ترشح شده در مغز، ارتباط میان آمیگدال و هیپوکامپ را تقویت کرده و باعث تثبیت بیشتر اطلاعات در حافظه بلندمدت می‌گردد (لی و همکاران، ۲۰۱۸).

بنابراین، طراحی محیط آموزشی بدون توجه به عواطف و هیجانات فراگیران، نه تنها ناکارآمد بلکه برخلاف یافته‌های علمی روز است. افزون بر این، جامعه امروز به مهارت‌هایی نیاز دارد که فراتر از حفظ کردن داده‌ها باشند؛ مهارت‌هایی مانند خلاقیت، همکاری، تفکر انتقادی و تاب‌آوری که همه آن‌ها در بستری شکل می‌گیرند، که یادگیری در آن با تجربه زیسته و لذت‌بخش پیوند خورده باشد.

^۱Brunner

^۲Vygotsky

^۳Lee et al.

از سوی دیگر، ساختارهای آموزشی مبتنی بر رقابت شدید، امتحانات استاندارد و فشار برای کسب نمرات بالا، اغلب مانع از تجربه لذت یادگیری می‌شوند و به جای آن استرس، ترس از شکست و اضطراب عملکرد را تقویت می‌کنند، که این خود یکی از عوامل کاهش انگیزش درونی و افزایش یادگیری سطحی است (داکورت، ۲۰۱۶).

آنچه امروز ضرورت دارد، گذار از مدل‌های سنتی انتقال اطلاعات به سمت مدل‌های تجربه‌محور و انسان‌گرایانه است، یعنی آموزش باید نه تنها در خدمت رشد شناختی بلکه در خدمت پرورش هیجانی، اجتماعی و اخلاقی فراگیران باشد. چنین تحولی مستلزم آن است که معلمان، به‌عنوان تسهیلگران یادگیری، نقش خود را بازتعریف کنند و به جای کنترل صرف بر محتوا و زمان، طراح تجربه‌هایی باشند که در آن دانش‌آموزان احساس مالکیت، خودمختاری و معناداری کنند (جانسون و جانسون، ۲۰۰۹). بدین ترتیب، آموزش دیگر یک اجبار بیرونی نخواهد بود بلکه فرآیندی خواهد بود که فراگیران با میل و اشتیاق در آن مشارکت می‌کنند و همین مشارکت فعال، یادگیری را به تجربه‌ای لذت‌بخش، پایدار و الهام‌بخش بدل خواهد کرد.

فصل اول:

بنیان‌های نظری و فلسفی یادگیری لذت‌بخش

یادگیری یکی از بنیادی‌ترین و پیچیده‌ترین فرآیندهای ذهنی و رفتاری انسان است که از آغاز زندگی تا پایان آن جریان دارد. به طور کلی، یادگیری فرآیندی است که طی آن فرد، از طریق تجربه، مشاهده، تمرین و تفکر، توانایی‌ها، مهارت‌ها، دانش یا نگرش‌های جدیدی کسب می‌کند و رفتارهای خود را تغییر می‌دهد. یادگیری تنها محدود به مدرسه و کلاس درس نیست، بلکه در زندگی روزمره، تعاملات اجتماعی، فعالیت‌های شغلی و حتی تفریحات نیز رخ می‌دهد.

برای مثال، کودکی را تصور کنید که برای نخستین بار تلاش می‌کند دوچرخه‌سواری کند. در ابتدا، او ممکن است بارها تعادل خود را از دست دهد و زمین بخورد، اما با تکرار و تمرین، به تدریج تعادل خود را حفظ کرده و قادر به رکاب زدن می‌شود. این تجربه‌ی واقعی نمونه‌ای از یادگیری عملی و تجربی است که نشان می‌دهد یادگیری، نه تنها از طریق انتقال مستقیم اطلاعات، بلکه از طریق تجربه و تعامل با محیط نیز اتفاق می‌افتد.

یا مثالی دیگر از زندگی روزمره بزرگسالان: فردی که به تازگی با نرم‌افزار جدیدی برای مدیریت مالی آشنا شده است، ابتدا با محیط آن آشنایی ندارد و ممکن است در ثبت اطلاعات اشتباه کند. اما با مرور آموزش‌ها، مشاهده‌ی دیگران و تمرین مستمر، او به مرور مهارت لازم را کسب می‌کند و کار با نرم‌افزار برایش به یک رفتار خودکار تبدیل می‌شود. این مثال نشان می‌دهد که یادگیری، فرآیندی فعال و مستمر است که مستلزم تلاش، تجربه و بازخورد است.

از نظر فلسفی، یادگیری با پرسش‌های بنیادین درباره‌ی انسان، دانش و حقیقت مرتبط است. فلاسفه‌ی مختلف، یادگیری را از زوایای متفاوتی بررسی کرده‌اند. به طور مثال، سقراط با روش «پرسشگری» یا سقراطی نشان داد که یادگیری واقعی، نه در شنیدن پاسخ‌ها، بلکه در توانایی فرد برای تفکر، پرسشگری و کشف حقیقت است. او معتقد بود که «آموزش واقعی، یادگیری خودآگاهانه است» و معلم تنها نقش راهنما دارد، نه منبع مطلق دانش.

از سوی دیگر، فلاسفه‌ی مدرن مانند جان دیویی، یادگیری را فرآیندی فعال و اجتماعی می‌دانند که در تعامل با محیط رخ می‌دهد. دیویی بر این باور بود که یادگیری زمانی ارزشمند است که کاربردی باشد و فرد بتواند آن را در حل مسائل واقعی زندگی به کار گیرد. به عبارت دیگر، یادگیری صرفاً حفظ اطلاعات نیست، بلکه توانایی تحلیل، کاربرد و تلفیق دانش در زندگی واقعی است.

یادگیری بر اساس نظریه‌ها و مدل‌های مختلف روان‌شناسی و علوم تربیتی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مهم‌ترین نظریه‌ها می‌توان به رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و سازه‌گرایی اشاره کرد.

رفتارگرایی

رفتارگرایی یکی از برجسته‌ترین نظریه‌های یادگیری در روان‌شناسی و علوم تربیتی است که با تمرکز بر رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری، تلاشی منظم برای توضیح فرآیند یادگیری انسان و

حیوان ارائه می‌دهد. این نظریه بر این اصل استوار است که یادگیری، تغییر نسبتاً پایدار در رفتار است که از طریق تجربه حاصل می‌شود. رفتارگرایی برخلاف برخی نظریه‌های شناختی که به فرآیندهای ذهنی و داخلی می‌پردازند، تنها بر رفتارهای قابل مشاهده تمرکز دارد و معتقد است آنچه در ذهن رخ می‌دهد، باید از طریق تغییر رفتار قابل اندازه‌گیری شود.

رفتارگرایی به طور رسمی در اوایل قرن بیستم شکل گرفت و پایه‌گذار آن، جان واتسون، روان‌شناس آمریکایی، بود. واتسون معتقد بود که روان‌شناسی باید علمی دقیق و عینی باشد و برای رسیدن به این هدف، تنها رفتارهای قابل مشاهده و قابل اندازه‌گیری باید موضوع مطالعه باشند. او باور داشت که انسان‌ها با محیط خود تعامل دارند و پاسخ‌های رفتاری آن‌ها به محرک‌های محیطی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تمام رفتارهای انسانی قابل پیش‌بینی و کنترل هستند اگر محرک‌های محیطی به درستی شناخته و مدیریت شوند.

ایوان پاولوف، فیزیولوژیست روس، نیز نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارگرایی ایفا کرد. او با آزمایش‌های معروف خود بر روی سگ‌ها، اصل شرطی‌سازی کلاسیک را معرفی کرد. در این آزمایش، سگ‌ها با صدای زنگ به تدریج یاد گرفتند که با شنیدن زنگ، غذا دریافت خواهند کرد و بنابراین شروع به ترشح بزاق حتی قبل از دریافت غذا کردند. این یافته نشان داد که رفتار می‌تواند از طریق ارتباط بین محرک‌های محیطی و پاسخ‌های طبیعی شکل گیرد و تجربه‌های مکرر باعث تثبیت یادگیری می‌شوند. این مفهوم به عنوان پایه‌ای برای نظریه‌های یادگیری رفتاری و آموزش‌های سیستماتیک در مدارس و سازمان‌ها به کار گرفته شد.

اصول و مفاهیم کلیدی رفتارگرایی

رفتارگرایی بر چند اصل کلیدی استوار است که درک آن‌ها برای فهم نظریه ضروری است:

تقویت: یکی از مهم‌ترین مفاهیم رفتارگرایی، تقویت است. تقویت می‌تواند مثبت یا منفی باشد. تقویت مثبت زمانی رخ می‌دهد که یک رفتار با ارائه پاداش همراه شود و احتمال تکرار آن رفتار افزایش یابد. برای مثال، کودکی که بعد از انجام تکالیف خود مورد تشویق والدین قرار می‌گیرد، انگیزه بیشتری برای انجام تکالیف در آینده خواهد داشت. تقویت منفی نیز به معنای حذف یک محرک ناخوشایند پس از رفتار مطلوب است که موجب افزایش احتمال تکرار آن رفتار می‌شود، مانند حذف تکلیف اضافی برای دانش‌آموزی که به موقع وظایفش را انجام داده است.

محرک و پاسخ: رفتارگرایی تأکید می‌کند که هر رفتار انسانی پاسخ به یک محرک است. این اصل نشان می‌دهد که یادگیری در اثر مواجهه مکرر با محرک‌های مشخص و ایجاد پاسخ‌های خاص رخ می‌دهد. برای مثال، اگر دانش‌آموزی با پرسش‌های درست مورد تحسین قرار گیرد، پاسخ او در مواجهه با پرسش‌های بعدی تقویت می‌شود و رفتار او تثبیت می‌شود.

شرطی‌سازی کلاسیک و عملی: شرطی‌سازی کلاسیک همان تجربه‌ای است که پاولوف در آزمایش سگ‌ها مشاهده کرد، در حالی که شرطی‌سازی عملی، که توسط اسکینر معرفی شد، بر یادگیری رفتارهای جدید از طریق پیامدها تمرکز دارد. اسکینر نشان داد که رفتارهایی که تقویت می‌شوند تکرار می‌شوند و رفتارهایی که تنبیه می‌شوند یا نادیده گرفته می‌شوند، کاهش می‌یابند. به عنوان مثال، یک دانش‌آموز که به خاطر پاسخ درست به سوال‌های کلاس مورد تحسین معلم قرار می‌گیرد،